

Research Paper

The Islamic Republic of Iran Foreign Policy Pathology in Terms of Institutionalism



*Ruhollah Eslami¹ , Zahra Akbari²

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2. Master, Department of Political Science, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Eslami R, Akbari Z. (2020). [The Islamic Republic of Iran Foreign Policy Pathology in Terms of Institutionalism (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 10(35), 2-27.



Received: 15 Jan 2019

Accepted: 18 Jul 2020

Available Online: 21 Sep 2020

Key words:

Foreign policy, Institutionalism, Pathology, Islamic republic of Iran

ABSTRACT

The aim of this study was to evaluate the foreign policy of Islamic Republic of Iran during the last four decades from the perspective of institutionalism. The main questions of this study is "what are the basic institutions in the foreign policy of Iran?", and "why these institutions do not achieve some of their foreign policy goals?". It was assumed that the parallelism in foreign policy-making institutions of Iran (religious, bureaucratic, democratic, and militaristic) and the non-observing of the institutional requirements by these institutions have led to their failure in achieving their foreign policy goals. The results showed that in the field of foreign policy of Iran, there is a coalition between bureaucratic, democratic, religious, and militaristic institutions which has led to complexity of foreign policy decision-making. The numerous institutions and decision-making centers has caused Iran's foreign policy sometimes to fail to achieve its goals. In other words, these harms not only cause failures, but also problems that brings a lot of dissatisfactions.

* Corresponding Author:

Ruhollah Eslami, PhD.

Address: Department of Political Science, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

E-mail: eslami.r@ferdowsi.um.ac.ir

مقاله پژوهشی آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر نهادگرایی

* روح‌الله اسلامی^۱، زهرا اکبری^۲

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
۲. کارشناس ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

نگارندگان در این نوشتار در پی بررسی آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته از منظر نهادگرایی هستند. بر این اساس سؤال اصلی که در این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن هستیم عبارت است از اینکه نهادهای اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند و چرا این نهادها به برخی از اهداف سیاست خارجی خود دست پیدا نمی‌کنند؟ در پاسخ و به عنوان فرضیه اصلی این پژوهش باید گفت موازی‌کاری‌های نهادهای تعیین‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مذهب‌گرایان، دیوان‌سالاری، مردم‌سالاری و نظامی‌گرایان) و عدم رعایت الزامات نهادی از سوی این نهادها، منجر به عدم موفقیت آن‌ها در اهداف سیاست خارجی‌شان شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از یکسو شاهد ائتلاف نهادهای دیوان‌سالاری و مردم‌سالاری و از سوی دیگر شاهد ائتلاف دو نهاد مذهب‌گرایان و نظامی‌گرایان هستیم که منجر به پیچیدگی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی شده است. وجود نهادهای و مراکز تصمیم‌گیری متعدد در سیاست خارجی ایران باعث شده است سیاست خارجی ایران در پیگیری و تأمین اهداف خود در برخی مواقع با موفقیت همراه نباشد. به عبارت دیگر، این آسیب‌ها نه تنها خود معضلاتی را ایجاد می‌کنند، بلکه سبب مشکلات دیگری می‌شوند که در مجموع سیاست خارجی را از وضعیت مطلوب دور می‌کند.

تاریخ دریافت: ۲۵ دی ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۲۸ تیر ۱۳۹۹

تاریخ انتشار: ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

کلیدواژه‌ها:

سیاست خارجی،
نهادگرایی،
آسیب‌شناسی،
جمهوری اسلامی
ایران

* نویسنده مسئول:

دکتر روح‌الله اسلامی

نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی.

پست الکترونیکی: eslami.r@ferdowsi.um.ac.ir

مقدمه

است، وجه تمایز دولت اسلامی از دیگر دولت‌ها خواهد بود. اصول سیاست خارجی دولت اسلامی برای دستیابی به اهدافش، ابزارها و استراتژی را مشخص و حدود استفاده از هر ابزار و شرایط آن را تعیین می‌کند (حقیقت، ۱۳۷۶: ۲۳). انقلاب اسلامی نخستین انقلاب مذهبی عصر حاضر، یا به تعبیر دیگر، اولین شورش بزرگ علیه نظام‌های زمینی بود که در فرایند آن، گفتمانی سیادت‌طلب شکل گرفت که با تمامی بداعتش، ریشه در سنت دیرینه اسلام داشت (صحرائی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

انقلاب تحت تأثیر یک ایدئولوژی طبقاتی یا گروهی نبود، بلکه از ایدئولوژی اسلامی نشئت گرفته بود که هم با نظام استبدادی و هم با نظام استعماری در تضاد بود و مهم‌ترین هدف آن برقراری عدالت در سطح جامعه و نظام بین‌الملل بود. با توجه به جایگاه و نقش ایدئولوژی اسلامی، نه تنها اهداف و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران را مشخص می‌شود، بلکه معیارهای سنجش و توجیهات لازم برای کنش‌ها نیز فراهم می‌شود (ستوده، ۱۳۸۵: ۸۱-۷۹).

با توجه به این مسئله، گفتمان جمهوری اسلامی هم درون خود استقلال و آزادی را جست‌وجو می‌کرد؛ چون این گفتمان بُعدی فراملی داشت می‌خواست آمال خود را در دیگر نقاط جهان و با همکاری با جنبش‌های آزادی‌بخش محقق کند (صحرائی، ۱۳۹۰: ۱۴۱). علاوه بر این، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز در کتاب، سنت، سیره معصومین و شیوه حکومتی آنان ریشه دارد. بر اساس اسناد رسمی (به‌ویژه قانون اساسی)، بیانات امام خمینی و عملکرد رفتاری ایران، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی عبارت‌اند از: نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، استکبارزدایی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفان

فرض کلی سیاست خارجی این است که دولت به عنوان نهادی اجتماعی در دو محیط قرار دارد: از یکسو، محیط داخلی که متشکل از همه نهادهای واقع در قلمرو مشخص شده توسط دولت و تعاملات آن‌ها با یکدیگر است و از سوی دیگر، محیط خارجی که متشکل از همه دولت‌های دیگر و تعاملات آن‌ها با محیط و یکدیگر است. نظریه روابط بین‌الملل متعارف فرض می‌کند که دولت پیوسته درگیر تلاش برای مداخله در هر دو محیط است؛ یعنی در سیاست داخلی و خارجی وارد می‌شود (براون و آینلی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). سیاست خارجی تصمیم‌ها، کنش‌ها و اقدامات یک کشور در قبال سایر بازیگران و محیط بین‌المللی است (رینولدز، ۱۳۸۰: ۶۳) که بر پایه یک طرح و برنامه و راهبرد از پیش تعیین شده به وسیله تصمیم‌گیرندگان برای تأمین اهداف مشخص و معین صورت می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۱). به بیان دیگر، سیاست خارجی متشکل از اهداف، استراتژی‌ها، تدابیر، روش‌ها، دستورالعمل، رهنمودها، برداشت‌ها و توافقی‌هاست (خوشوقت، ۱۳۷۵: ۱۴۵).

همه دولت‌ها به واسطه این حقیقت صرف که موجودیت بین‌المللی دارند به یک سیاست خارجی راهبردی در قبال دولت‌های دیگر و سایر بازیگران بین‌المللی متعهد هستند. سیاست خارجی با این نیت دربرگیرنده اهداف و تدابیری است که تصمیمات و اقدامات دولت را در ارتباط با مسائل خارجی - به‌ویژه با سایر کشورها - راهبری می‌کند (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۴: ۳۹۳-۳۹۲).

برخی تحلیل کرده‌اند که سیاست خارجی دولت اسلامی، برگرفته از منابع اسلامی است؛ به طوری که پایبندی به این اصول که مستند به قرآن و سنت

۱. ادبیات موضوع

در بررسی آثار و دیدگاه‌های مرتبط با سیاست خارجی ایران، سه رویکرد کلی به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، آثار راجع به سیاست خارجی ایران را می‌توان ذیل سه رویکرد کلی همدلانه، نقادانه و نافیانانه طبقه‌بندی کرد. در ادامه با توضیح هریک از این رویکردها و آثاری که در ذیل آن قرار می‌گیرند، سعی می‌کنیم خلأ موجودی را که این مقاله می‌خواهد آن را پر کند، نشان دهیم.

رویکرد همدلانه: آثار و دیدگاه‌هایی که ذیل این رویکرد جای می‌گیرند از عملکرد چهل ساله جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی کاملاً دفاع می‌کنند و با آن همراه هستند. این دیدگاه‌ها بیشتر متعلق به کارگزاران حکومتی، نهادها و مؤسساتی است که بر ابعاد آرمان‌گرایانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأکید دارند. منوچهر محمدی در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» از دوگانه اسلام یا ایران به عنوان هدف غایی سیاست خارجی بحث می‌کند و اولی را هدف غایی جمهوری اسلامی می‌داند (محمدی، ۱۳۷۷).

عمید زنجانی نیز در کتاب خود، انقلاب ۱۳۵۷ را مهم‌ترین حادثه تاریخ ایران و حتی جهان می‌داند و بر لزوم حفظ روحیه انقلابی در سیاست خارجی و اولویت دادن به آرمان‌های انقلاب در تدوین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأکید می‌کند (عمید زنجانی، ۱۳۶۸). چنان‌که پیداست این آثار از میان تمام لایه‌های معرفتی حاکم بر سیاست خارجی ایران، بر دو لایه اسلام و انقلابی‌گری تمرکز کرده و به دیگر منابع و لایه‌های موجود در سازه ذهنی حاکم بر سیاست خارجی توجهی ندارند.

رویکرد نافیانانه: این رویکرد در مقابل رویکرد

و محرومان، حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان، همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل، تعهدات به قراردادها و قوانین بین‌الملل (صدقی، ۱۳۸۶: ۶۳).

حال ما در این نوشتار در پی بررسی آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته از منظر نهادگرایی هستیم. ما همچنین به دنبال این هستیم که چرا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی منزوی است؟ چرا از تربیون‌های مختلفی که مواضع سیاست خارجی را اعلام می‌کنند گزاره‌های متفاوت اعلام می‌شود؟ چرا نهادهای در ایران به دنبال تنش‌زدایی و نهادهای دیگر به دنبال دگرگون‌سازی مقاومت است؟ کدام نهادها در سیاست خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و آیا ساختار دولت در جمهوری اسلامی ایران تأثیری بر فلسفه، دگرگون‌سازی و سیاست امور خارجه دارد؟

بر این اساس سؤال اصلی که در این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن هستیم عبارت است از اینکه نهادهای اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند و چرا این نهادها به برخی از اهداف سیاست خارجی خود دست پیدا نمی‌کنند؟ در پاسخ و به عنوان فرضیه اصلی این پژوهش باید گفت موازی‌کاری‌های نهادهای تعیین‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مذهب‌گرایان، دیوان‌سالاری، مردم‌سالاری و نظامی‌گرایان) و عدم رعایت الزامات نهادی از سوی این نهادها، منجر به عدم موفقیت آن‌ها در اهداف سیاست خارجی‌شان شده است. در ادامه پس از تشریح پیشینه و چارچوب نظری، به واکاوی اهداف، نهادهای زیرمجموعه، اقدامات، دستاوردها و آسیب‌شناسی نهادهای تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی و در نهایت نتیجه‌گیری و ارائه راهکار خواهیم پرداخت.

همچنین محمود سریع القلم در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران»، بر این باور است که سیاست خارجی ایران در چند دهه گذشته از مرزهای کشور و از نظام سیاسی ایران از طریق تقابل، حفظ فاصله، امتناع از ائتلاف و هم‌گرایی منطقه‌ای و بی‌علاقگی به اختلاط در سیاست و اقتصاد بین‌المللی صیانت کرده است. او می‌گوید: «تولید قدرت» که امری کمی و مبتنی بر آمار و ارقام است و از مسیر تعامل با جهان به دست می‌آید، لازمه دست‌یابی به سیاست خارجی موفق است (سریع القلم، ۱۳۹۰).

روح‌الله رضانی در کتاب «چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» از رشد عقلانیت در سیاست خارجی ایران طی دو دهه نخست پس از انقلاب ۱۳۵۷ سخن می‌گوید. او با اشاره به شکل‌گیری نوعی «سازش‌جویی واقع‌بینانه» در مقابل «رویارویی آرمان‌گرایانه» در سیاست خارجی ایران، معتقد است ایران از سیاست‌های مواجهه‌جویانه، انقلابی و آرمان‌گرایانه در منطقه و جهان فاصله گرفته است و به سمت تعامل با جهان و خروج از انزوا در حرکت است (رضانی، ۱۳۸۰).

رویگرد نگارندگان نوشتار پیش‌رو به رویکرد میانه (نقدانه) نزدیک‌تر است؛ زیرا بر این باور هستند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هنوز نیازمند اصلاحاتی است تا به واقع‌گرایی برای تحقق منافع ملی دست یابد. با وجود این، تمایز این نوشتار با پژوهش‌های پیشین در این است که تاکنون پژوهشی که نهادهای تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی را با استفاده از تئوری نهادگرایی مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشده است.

همدلانه قرار دارد. در این رویکرد ایران کشوری ایدئولوژیک است که به سمت خطرناکی حرکت می‌کند. بر اساس این رویکرد که بیشتر در منابع انگلیسی‌زبان، گزارش‌های راهبردی پژوهشکده‌های خارجی، مجلات پژوهشی و مقاله‌های ژورنالیستی به آن پرداخته می‌شود، ایران به دلیل نفوذ نهادهای نظامی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تمام لایه‌های سیاسی و اقتصادی، عامل اصلی ناامنی و برهم خوردن توازن در خاورمیانه است.

برای نمونه هنری کیسینجر در مقاله‌ها و به‌خصوص کتاب جدیدش در باب نظم جهانی (ترجمه محمدتقی حسینی) مملکت‌داری ایران بعد از انقلاب را عامل پیدایش نظام‌های خلافت و اسلام‌گرایی‌هایی می‌داند که امت‌محور هستند و نظم دولت - ملت را قبول ندارند (کیسینجر، ۱۳۹۶). استیفن جونز در مقاله «جمهوری اسلامی ایران: یک مقدمه» استدلال می‌کند که ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد نشان‌دهنده یک نسل جدید محافظه‌کار و بر پایه ایدئولوژی است که مصمم به بازگشت ایران به ریشه‌های انقلاب است و صدای جدی و بی‌رحمانه‌ای را در امور خارجی تزریق می‌کند (Jones, 2009).

رویگرد نقادانه: کسانی که این رویکرد را دنبال می‌کنند بر این باورند که سیاست خارجی ایران با وجود دستاوردهایی که داشته، هنوز نیازمند اصلاح و بازنگری است تا به واقع‌گرایی کافی برای تحقق منافع ملی برسد؛ برای مثال علیرضا ازغندی در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» گفتمان ارزش‌محور یا آرمان‌گرای دهه شصت را جنبه منفی سیاست خارجی ایران می‌داند که در دهه هفتاد و با روی کار آمدن محمد خاتمی، این سیاست خارجی همراه با اقتصادی عمل‌گرا به درکی ژئوپلیتیک به جای درک ایدئولوژیک می‌رسد (ازغندی، ۱۳۸۱).

۱-۱. پیشینه پژوهش جدید

ادبیات نسبتاً گسترده‌ای در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توسط پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی به رشته تحریر درآمده است که ابعاد و وجوه مختلف این موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. برای نمونه علیرضا ازغندی در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» با اشاره به گفتمان‌های غالب بر سیاست خارجی ایران از ابتدای انقلاب تا زمان نگارش کتاب در دهه هشتاد رویکرد نقادانه را دنبال می‌کند. او گفتمان ارزش‌محور یا آرمان‌گرایی دهه ۶۰ شمسی را جنبه منفی سیاست خارجی ایران می‌داند که در دهه هفتاد و با روی کار آمدن گفتمان منفعت‌محور و اصلاح‌طلبی، این سیاست خارجی همراه با اقتصادی عملگرا به درکی ژئوپلیتیک به جای درک ایدئولوژیک می‌رسد؛ اما او معتقد است در کنار تمام امتیازات به‌دست‌آمده، نوعی تضاد در سیاست خارجی ایران وجود دارد. این تضاد به منابع و مراکز تأثیرگذار در سیاست خارجی ایران که قدرتی بیش از رئیس‌جمهور و کارکنان عالی‌رتبه وزارت خارجه دارند، بازمی‌گردد.

درواقع این نهادهای فراقانونی و قدرتمند که نیازمند اصلاح و قانون‌مند شدن هستند، به دنبال تأکید بیش از حد بر لایه‌های انقلابی و اسلامی موجود در سازه ذهنی حاکم بر سیاست خارجی ایران هستند و وجود آن‌ها منافعی به‌کارگیری لایه‌های مدرن است (ازغندی، ۱۳۸۱). همچنین محمود سریع‌القلم در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران»، درباره ضرورت توجه به روش‌های مدرن تحقق منافع ملی در سیاست خارجی می‌گوید: مفهوم قدرت در سیاست خارجی ایران بیشتر امری تصویری است تا آماری.

او با اشاره به اینکه سیاست خارجی ایران در چند دهه گذشته از مرزهای کشور و از نظام سیاسی ایران از طریق تقابل، حفظ فاصله، امتناع از ائتلاف و هم‌گرایی منطقه‌ای و بی‌علاقگی به اختلاط در سیاست و اقتصاد بین‌المللی صیانت کرده است، می‌گوید: «تولید قدرت» که امری کمی و مبتنی بر آمار و ارقام است و از مسیر تعامل با جهان به دست می‌آید، لازمه دستیابی به سیاست خارجی موفق است (سريع‌القلم، ۱۳۹۰).

روح‌الله رضانی در کتاب «چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» از رشد عقلانیت در سیاست خارجی ایران طی دو دهه نخست پس از انقلاب ۱۳۵۷ سخن می‌گوید. او با اشاره به شکل‌گیری نوعی «سازش‌جویی واقع‌بینانه» در مقابل «رویاریویی آرمان‌گرایانه» در سیاست خارجی ایران، معتقد است ایران از سیاست‌های مواجهه‌جویانه، انقلابی و آرمان‌گرایانه در منطقه و جهان فاصله گرفته است و به سمت تعامل با جهان و خروج از انزوا در حرکت است (رضانی، ۱۳۸۰).

همچنین او در مقاله‌ای با عنوان «درک سیاست خارجی ایران»، می‌گوید: برخلاف تصویری که غربی‌ها و اسرائیلی‌ها از سنت سیاست خارجی ایران می‌دهند و آن را «غیرعقلانی» توصیف می‌کنند، ایران از سنت کشورداری محتاطانه برخوردار است که در پیش از اسلام ریشه دارد. او در کنار اشاره به سیاست خارجی تحریک‌آمیز و انقلابی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ و اظهارنظرهای تند احمدی‌نژاد درباره اسرائیل و هولوکاست، دوره‌هایی را یادآور می‌شود که سیاست خارجی ایران میانه‌روانه و سازنده بوده است (رضانی، ۱۳۸۸).

سید جلال دهقانی فیروزآبادی در مقاله «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: روندها و بازتاب‌ها»،

رویکرد که در میان دانشگاهیان، کارشناسان و بدنه وزارت امور خارجه و نیروهای سیاسی میانه‌رو، اعتدالی و اصلاح‌طلب رایج است، بر ضرورت اجتناب از تنش و سازش با همسایگان، به کارگیری دیپلماسی و مذاکره، روی آوردن به تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی و تأکید بر ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی ایران برای اعتباربخشی به وجهه کشور در جامعه جهانی پافشاری می‌کند.

بخش زیادی از آثار دانشگاهی که درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده‌اند، همین رویکرد نقادانه را دنبال می‌کنند. حال تمایز این نوشتار با پژوهش‌های پیشین در این است که تاکنون پژوهشی که نهادهای تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی (مذهب‌گرایان، دیوان‌سالاری، مردم‌سالاری و نظامی‌گرایان) را با استفاده از تئوری نهادگرایی مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشده است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

نهادهای قراردادهای ابداع‌شده توسط انسان هستند که کنش متقابل انسانی را ساختارمند می‌کنند. نهادها از قوانین رسمی، قوانین غیررسمی و خصوصیات اجرایی تشکیل شده‌اند. بدین ترتیب نهادها دارای دو بُعد هستند. یکی از ابعاد، رسمی شدن یک نهاد است در رسمی شدن بحث پیرامون قواعد، قوانین و قانون اساسی است. در شکل غیررسمی نیز از عادات، آداب و رسوم بحث می‌شود. عادات هرگونه اقدام تکراری است که سرشت تکراری آن توسط یک بازیگر شأن داده می‌شود. آداب و رسوم یک عادت است که توسط اعضای یک گروه به اشتراک گذاشته می‌شود (Immergut, 2011).

بهتر است نهاد را به عنوان یک فرایند یا مجموعه‌ای از فرایندها که رفتار را شکل می‌دهند، در نظر گرفت.

با ذکر الزامات و ویژگی‌های سیاست خارجی مطلوب، چارچوبی برای ارزیابی سیاست خارجی ایران در نظر می‌گیرد و بر اساس آن آسیب‌های سیاست خارجی را برمی‌شمارد که بعضی از این آسیب‌ها ناشی از محدودیت‌های ماهوی و برخی نشئت‌گرفته از مشکلات شکلی است. از نظر نویسنده ترکیب این مشکلات و موانع موجب شده که سیاست خارجی ایران از وضعیت آرمانی و مطلوب دور شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱).

امیرمحمد حاجی یوسفی هم در مقاله‌ای انگلیسی به نام «سیاست خارجی ایران در زمان احمدی‌نژاد: از رویارویی تا سازش»، معتقد است که از زمان تأسیس جمهوری اسلامی، ایران همواره با تهدیدات خارجی مواجه شده است. از دیدگاه وی رهبران ایران برای جلوگیری از این تهدیدات سه استراتژی متفاوت را در نظر گرفتند: ادغام قدرت (از ابتدای انقلاب تا پایان جنگ)، همکاری با قدرت‌های خارجی (دوران ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی و خاتمی) و تبدیل شدن به قدرت هژمونیک (دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد).

از نظر وی خط مشی اول و دوم در چارچوب واقع‌گرایی تدافعی و خط مشی سوم در چارچوب واقع‌گرایی تهاجمی قرار می‌گیرد. دولت‌ها معمولاً از استراتژی دفاعی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر طبیعی است که قدرت را تقویت کرده و ائتلافی را برای حفظ بقا و امنیت یک کشور ایجاد کنیم. اما اگر یک دولت به دنبال قدرت هژمونیک باشد، با یک مقاومت جدی روبه‌رو می‌شود (Haji-Yousefi, 2010).

به طور کلی نویسندگان آثاری که ذکر شد بر این باورند که سیاست خارجی ایران با وجود دستاوردهایی که داشته، هنوز نیازمند اصلاح و بازنگری است تا به واقع‌گرایی کافی برای تحقق منافع ملی برسد. این

دلایلی که مهم هستند این است که قوانین، آداب و رسوم و شیوه‌های تعیین‌شده در تنظیمات نهادی می‌توانند نقش مهمی در شکل دادن به رفتار افراد بازی کنند. در این شرایط ما باید نه تنها بر نهادهای رسمی، بلکه همچنین بر شیوه‌های غیررسمی روابط نیز تمرکز کنیم. لوی استدلال می‌کند: «مؤثرترین مؤلفه‌های نهادی شامل یک سیستم هنجاری از قوانین داخلی و غیررسمی است (Lounsbury, 2014: 5).

علاوه بر این، نهادها می‌توانند توسط مقامات مذهبی یا سکولار و نیز گروه‌ها و جوامع، به عنوان نهادهای شرعی، نهادهای وراثت و نهادهای اجتماعی معرفی شوند. برخی از نهادها به صورت الهی و فانی معرفی می‌شوند و از این رو جدا از طبیعت‌اند. نهادها همچنین شامل کلیه اشکال و ساختارهای اجتماعی هستند و ممکن است با قانون یا آداب و رسوم ایجاد شوند. به طور کلی می‌توان گفت، نهادگرایی بر سرشت طبیعی و ساخت اجتماعی نهادهای سیاسی تأکید دارد. نهادها صرفاً بر اساس قراردادهای تعاملی میان خودشان عمل نمی‌کنند، بلکه عرصه‌ای برای رقابت نیروهای اجتماعی نیز هستند.

آن‌ها مجموعه‌ای از ساختارها، قواعد و روش‌های عملیاتی استاندارد و حاکم بر زندگی سیاسی هستند. آن‌ها همچنین چشم‌اندازی برای درک و بهبود سیستم‌های سیاسی هستند. نهادها حامل هویت و نقش‌ها و نشانگر شخصیت سیاسی، تاریخ و چشم‌اندازها نیز هستند (March & Olsen, 2005). نهادگرایی را می‌توان به دودسته کلی نهادگرایی کلاسیک و نهادگرایی نوین تقسیم کرد.

علم سیاست در قدم‌های نخست خود، دانشی معطوف به مطالعه نهادهای حکومت و نحوه طراحی نهادهای سیاسی کشور بود. جهت‌گیری‌های

نهادگرایانه علم سیاست کلاسیک، عمیقاً وجهی صوری داشته و فاقد وجوه نظری نیرومند و درک چندلایه و پیچیده از پدیده‌های سیاسی بود. از این رو نهادگرایی کلاسیک عمدتاً تلاشی برای توصیف نهادهای سیاسی و مقایسه این نهادها در کشورهای مختلف شناخته شده است که برای بسیاری بدون جذابیت‌های لازم تحلیلی تلقی می‌شود. دوران پیش از جنگ دوم جهانی، دوران اوج نهادگرایی در حوزه سیاست بود (کاظمی، ۱۳۹۲: ۱۸). اما در نهادگرایی جدید سعی می‌شود از پیش‌فرض‌های غیرقابل انتظاری که از نظر تعهدات هنجاری، توانایی شناختی و کنترل اجتماعی، نیاز بیش از حد به بازیگران سیاسی داشته باشد، اجتناب شود. در این رویکرد قواعد، هنجارها و هویت‌ها، واحدهای اصلی تجزیه و تحلیل هستند (Hall & Taylor, 1996).

نهادگرایی انتخاب عقلانی جامعه و پدیده‌های اجتماعی را حاصل کنش‌های افرادی می‌داند که در پی به حداکثر رساندن نفع خود هستند؛ هرچند جست‌وجوی نفع فردی لزوماً تأمین نفع جمعی را در پی نخواهد داشت (Peters, 2000). نهادگرایی تاریخی بر ریشه، تکامل و پیامدهای نهادهای سیاسی از سطح محلی تا سطح جهانی تمرکز دارد. نهادگرایان می‌پذیرند که نهادها به عنوان قواعدی محدودکننده و شکل‌دهنده رفتار عمل می‌کنند. (Thelen & Steinmo, 1992: 3) اما آنچه امروز نهادگرایی جامعه‌شناختی نامیده می‌شود، بسط ایده‌های جامعه‌شناسان کلاسیکی است که بر اهمیت طیف وسیعی از نهادها از سمبل‌ها، الگوهای اخلاقی، هنجارها و رسوم تا سازمان‌های مختلف اجتماعی و نهایتاً بوروکراسی و دولت، در حیات اجتماعی تأکید داشتند (Amenta & Ramsey, 2017).

به طور کلی می‌توان گفت نهادها چارچوب ایجاد

۱-۱-۲. مذهب‌گرایان

نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام تئوکراتیک، متولد شده از یک انقلاب مردمی است. این نظام مبتنی بر ولایت فقیه است و نخستین بار در اندیشه شیعه همراه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی ظاهر شده است. رهبر انقلاب اسلامی به عنوان حوزه‌ای از ساختار اقتدار دینی و داور نهایی سیاست‌های ایران محسوب می‌شود. عناصر و نهادهای ملحوظ در نظریه ولایت فقیه امام خمینی، تا حدودی همان نهادهای دولت جمهوری اسلامی ایران هستند که متعاقب انقلاب اسلامی ۵۷ در ایران تأسیس شده و استقرار یافته است؛ بنابراین دیدگاه ولایت سیاسی فقیه جایگاه و اهمیت بسیاری در نظریه‌های شیعی جمهوری اسلامی دارد (فیرچی، ۱۳۸۲: ۲۵۲) و می‌توان گفت ولایت فقیه والاترین نهاد جمهوری اسلامی ایران و همچنین از مهم‌ترین نهادهای مذهبی در این نظام است.

فلسفه ولایت فقیه و توانایی‌ها و حقوق و وظایف آن، بحثی است که عمدتاً در حیطه و قلمرو فلسفه حکومت اسلامی است؛ بنابراین در سیاست خارجی بحث از جایی شروع می‌شود که ما ولایت فقیه را به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع سیاست خارجی، از بحث حکومت در اسلام در نظر بگیریم (ایزدی، ۱۳۷۷: ۱۰۹). علاوه بر نهاد ولایت فقیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، قوه قضائیه و ائمه جمعه هم در زیرمجموعه نهادهای مذهب‌گرایان قرار می‌گیرند.

هدف نهادهای مذهبی از ماهیت فراملی انقلاب اسلامی و همچنین هویت اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران نشئت می‌گیرد. یکی از اهداف مهم نهادهای تئوکراتیک این است که به عنوان ام‌القراء

می‌کنند، قواعد را شکل می‌دهند و در یک راستا عمل می‌کنند. نهادها همچنین قدرت فراوانی در ارزیابی، تعادل و کنترل یکدیگر دارند؛ اما اگر با یکدیگر درگیر شوند می‌توانند سیستم سیاسی را ناکارآمد کنند. نگارندگان این نوشتار نهادهای تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با استفاده از مبنای معرفتی و کارکردی تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ به این معنا که این نهادها چه جایگاه معرفتی‌شناسی دارند و در سلسله‌مراتب کارکردی دارای چه وظایفی هستند. در ایران نهادها بسته به مبنای معرفتی و کارکردی (مذهب‌گرایان، دیوان‌سالاری، مردم‌سالاری و نظامی‌گرایان)، نقشی تعیین‌کننده در سیاست خارجی دارند. این نوشتار نهادهای مختلفی را که دارای مبنای معرفتی و کارکردی متفاوتی هستند، مورد واکاوی قرار می‌دهد.

۱-۲. نهادهای تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

یکی از موضوعات مهم در مطالعه سیاست خارجی کشورها ساختار و نحوه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی است. با توجه به ساختارهای مختلف حکومت‌ها نحوه تأثیرگذاری بر سیاست خارجی هم متفاوت است. در کشورهایی که دارای نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیچیده‌ای باشند، گروه‌ها، افراد و نهادهای مختلف ذی‌نفع و در عین حال غیر رسمی، در مسائل مربوط به اداره کشورها و اتخاذ تصمیمات و اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی دخیل و مؤثرند. همان‌طور که قبلاً هم گفته شد نهادهای تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نهادهای مذهب‌گرایان، دیوان‌سالاری، مردم‌سالاری و نظامی‌گرایان هستند که در ادامه به بررسی هریک از آن‌ها به طور جداگانه خواهیم پرداخت.

جهان اسلام شناخته شوند. بر اساس این نظریه کشوری ام‌القرای جهان اسلام می‌شود که دارای رهبری شود که در حقیقت، لایق رهبری جهان اسلام باشد (ایزدی، ۱۳۷۷: ۶۸-۷۰). دومین هدف مبارزه با ظلم و استکبار و دفاع از حقوق مسلمین است. رهبر انقلاب همواره از جنگ فقر و غنا، استضعاف و استکبار، کوخ‌نشین و کاخ‌نشین سخن گفته است (صدقی، ۱۳۸۶: ۶۸).

سومین هدف وحدت جهان اسلام است. جمهوری اسلامی ایران یکی از اهداف سیاست خارجی خود را تلاش برای ایجاد وحدت میان مسلمانان قرار داده و در این زمینه رسالت و نقش خاصی برای خود قائل است. در اصل یازدهم قانون اساسی آمده است: به حکم آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد. آخرین هدف نهادهای تئوکراتیک پیگیری اصل نه شرقی نه غربی است. این اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که در ادبیات دینی از آن به قاعده نفی سبیل تعبیر می‌شود، دست‌یابی به حاکمیت واقعی در دولت اسلامی است. یکی از ویژگی‌های مهم این اصل، استقلال‌خواهی است (ستوده، ۱۳۸۵: ۹۷-۹۹).

سیاست خارجی و اقدامات نهادهای مذهبی نیز برگرفته شده از اهداف آن‌هاست. بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام از جمله در حوزه سیاست خارجی و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها برعهده مقام رهبری است؛ بنابراین خط مشی و چارچوب کلی، اولویت‌ها، جهت‌گیری، استراتژی و سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی در حوزه سیاست خارجی را رهبر انقلاب پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعریف و تعیین می‌کند. طبق بند ۵ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، اعلان

جنگ و صلح و بسیج نیروها نیز یکی از اختیارات مقام رهبری است. نمونه معاصر آن جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران بود که هشت سال به طول انجامید. جنگی که سرانجام نیز از طریق پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در تیر ماه ۱۳۶۷ توسط امام خمینی خاتمه یافت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۵۵-۲۵۷).

فراتر از این، تجربه عملی و پیشینه تاریخی جمهوری اسلامی از جمله در حوزه سیاست خارجی نشان می‌دهد ولی فقیه در مواقع لازم جهت تأمین مصلحت نظام از اختیارات و احکام حکومتی استفاده کرده است. در سیاست خارجی می‌توان به فرمان قطع رابطه جمهوری اسلامی ایران با مصر پس از قرارداد کمپ دیوید با اسرائیل، دستور عدم اعزام حجاج ایرانی به بیت‌الحرام و تعطیلی موقت فریضه حج پس از کشتار حجاج در مکه مکرمه در سال ۱۳۶۶ (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۶۱-۲۶۲)، اخطار مقام رهبری فعلی به معاون حقوقی رئیس‌جمهور در زمینه مذاکره با آمریکا، و اجازه مقام رهبری برای بازدید نماینده حقوق بشر کاپیتورن از ایران اشاره کرد (امیری، ۱۳۸۵: ۲۱۹).

با وجود اینکه رویکرد نهادهای مذهبی بر اصول سنتی و انتزاعی و ارزش‌های اخلاقی مبتنی و دایره و حیطه آن فراتر از منافع ملی است، اما اتکای صرف به این رهیافت سیاست خارجی، در صحنه بین‌المللی مشکلاتی ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر این رویکرد، ضمن ایجاد فرصت‌هایی برای تأمین اهداف فراملی در زمینه‌های نفوذ سیاسی، وحدت ایدئولوژیک و تشکیل حوزه نفوذ در سطوح بین‌المللی، محدودیت‌هایی را برای تأمین اهداف ملی، توسعه صنعت - تکنولوژی، رفاه اقتصادی و به‌ویژه کسب اعتبار بین‌المللی ایجاد کرده است. از نظر نهادهای

خارج با مدرک فوق لیسانس و دکترای مراکز آموزش عالی داخلی، افزوده شده است (ازغندی، ۱۳۹۴: ۱۹۲-۲۰۵). نهاد بوروکراتیک دیگر در ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران شورای عالی امنیت ملی است. این نهاد در زمان بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ تأسیس شد. پیش از این نیز شورای عالی دفاع وجود داشت که در سال ۱۳۶۸ در اصلاح قانون اساسی به شورای عالی امنیت ملی تغییر نام داد.

هدف نهادهای دیوان‌سالار پیگیری منافع ملی است. در تعریف و تعیین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران چند جنبه را باید مورد توجه قرار داد. جنبه اول این است که ایران یک واحد سیاسی در نظام ملت - کشور است و همچنین متأثر از الزامات و تعهداتی است که یک دولت ملی در قبال کشور و جمعیت مستقر در آن برعهده دارد. جنبه دوم این است که در این محدوده سرزمینی، یک نظام اسلامی طی یک حرکت انقلابی فراگیر مردمی، مستقر شده است که قبل از هر چیز مشروعیت آن ناشی از اسلام و تعهد به آرمان‌های اسلامی است (نخعی، ۱۳۷۶: ۲۶۶).

برای نهادهای دیوان‌سالار جنبه اول نسبت به جنبه دوم در اولویت است. به همین جهت نهادهای دیوان‌سالار به دنبال تعامل سازنده و مذاکره با جهان هستند. اصول و محورهای ایده تعامل سازنده با جهان شامل محورهایی همچون دوری از تنش و تنش‌زدایی، عقلانیت و تدبیر در عرصه سیاست خارجی، اعتمادسازی، بهبود تصویر و موقعیت در عرصه جهانی، دیپلماسی فعال و پویا، تلاش برای متوازن کردن و بهبود روابط با کشورهای جهان می‌شود (رضائی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

اقدامات و دستاوردهای نهادهای دیوان‌سالار جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مذاکرات و

مذهبی، صدور انقلاب به کشورهای دیگر ضامن پیروزی و تداوم انقلاب است.

انقلاب مرز نمی‌شناسد و در درون مرزهای ملی محصور نمی‌شود. حیات و تداوم نظام انقلابی در غنی کردن محیط بیرونی است. مطابق قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی نیز، نظامی بر مبنای توحید است که هدف نهایی و غایی آن «حرکت به سوی الله» و مسئول است که با ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی، وحدت همه‌جانبه جهان اسلام را تحقق بخشد. این نهادها بدون توجه به نظام حاکم در عرصه روابط بین‌الملل، ضابطه‌ها و هنجارهای موجود در سیاست خارجی را بر هم زده و می‌خواهند نظم موردنظر خود را جایگزین کنند. پیروی از این سیاست‌ها باعث شده اولاً بازیگران عرصه روابط بین‌الملل به جمهوری اسلامی به عنوان یک نیروی برهم‌زننده نظم جهانی بنگرند، ثانیاً در سطح منطقه نیز بسیاری از کشورها ایران را به عنوان یک خطر بالقوه و تهدیدکننده امنیت ملی تلقی کنند، ثالثاً تأکید بیش از اندازه بر شاخص‌های شیعه باعث موضع‌گیری منفی کشورهای اسلامی که اکثر آن‌ها اهل سنت هستند، علیه ایران شده است و در نهایت تأکید بیش از حد بر وحدت و منافع جهان اسلام باعث تضعیف هویت و منافع ملی ایران شده است.

۲-۱-۲. دیوان‌سالاری

ساختار دیوانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دربرگیرنده نهادهای سیاسی - دیپلماتیک است که به طور مستقیم در این فرایند حضور دارند. وزارت امور خارجه و شورای عالی امنیت ملی دو نهاد بوروکراتیکی هستند که در ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی را ایفا می‌کنند. بعد از انقلاب بر تعداد کارکنان سیاسی وزارت امور

سعدآباد بود (عباسی، ۱۳۹۱: ۲۳۷-۲۳۸). مذاکرات هسته‌ای در دوره احمدی‌نژاد نیز برعهده شورای عالی امنیت ملی بود؛ بدین منظور علی لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای جمهوری اسلامی معرفی شد.

در تیر ۱۳۸۵ علی لاریجانی، در رأس هیئتی بلندپایه، برای انجام مذاکرات مقدماتی عازم بروکسل شد و با هیئت پنج کشور به ریاست خاویر سولانا دیدار کرد. هیئت‌های طرفین مجدداً از تیر تا مهر ۱۳۸۵ به مذاکره پرداختند که درنهایت با شکست مذاکرات در برلین، مذاکرات به حالت تعلیق درآمد. با استعفای علی لاریجانی، سعیدجلیلی جانشین وی شد. سعید جلیلی و گروه ۵+۱ در اواسط تابستان ۱۳۸۷ مذاکرات را از سر گرفتند. در این مذاکرات جلیلی با ارائه یک متن غیررسمی، مدالیته جدیدی را برای گفت‌وگوهای جامع میان ایران و گروه ۵+۱ پیشنهاد کرد که به سرانجامی نرسید (باقری دولت‌آبادی و شفيعی، ۱۳۹۳: ۲۹۲-۲۹۸).

در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی، وزارت امور خارجه مسئول مذاکرات هسته‌ای شناخته شد. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران و کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در اول مهرماه ۱۳۹۲ و در حاشیه نشست مجمع عمومی با یکدیگر دیدار کردند (Jenkins aDalton, 2014). دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در ژنو سوئیس تحت عنوان ژنو ۳ برگزار و منجر به شکل‌گیری توافق ژنو شد. بعد از آن در آبان ۱۳۹۳ وین برای هشتمین بار میزبان مذاکره‌کنندگان برای رسیدن به تفاهم بود تا قبل از آنکه سوم آذر به عنوان مهلت قانونی توافق‌نامه ژنو به پایان رسد، زمینه‌ای برای تفاهم جامع فراهم شود.

قراردادهایی است که در طول این چهار دهه شکل گرفته است. در دوره هاشمی رفسنجانی، صدام حسین، رئیس‌جمهور عراق طی نامه‌ای در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ به رئیس‌جمهور ایران، عهدنامه ۱۹۷۵ را پذیرفت. وی همچنین با مبادله اسرا و بندهای شش و هفت قطع‌نامه ۵۹۸ و عقب‌نشینی عراق از مناطق اشغالی ایران موافقت کرد؛ بنابراین برای انجام مذاکرات صلح، طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق در ۱۹ شهریور ۱۳۶۹ از تهران دیدار کرد. یک روز بعد نیز روابط دیپلماتیک ایران و عراق دوباره برقرار شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۹۳).

در دوران محمد خاتمی نیز مذاکرات گسترده‌ای با آمریکا و کشورهای اروپایی صورت گرفت. در زمان تهاجم ایالات متحده به افغانستان، نقش سفرای ایران در گفت‌وگوهای ژنو بر سر آینده افغانستان که طی آن حامد کرزای نامزد ریاست‌جمهوری شد، بسیار مهم و اساسی بود. تا جایی که خاتمی با اطمینان به خبرنگاران گفت: «افغانستان فرصت خوبی را برای بهبود مناسبات دو کشور فراهم کرده است» (آبراهامیان و صادقی، ۱۳۸۴: ۴۳۲، ۴۳۳). در این دوره ایران با نیروهای بین‌المللی به رهبری آمریکا در جنگ علیه طالبان افغانستان و همچنین فرایندهای بازسازی افغانستان از توافق بن تا توکیو و مراحل دیگر بازسازی این کشور همکاری کرد (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۴).

با وقوع بحران هسته‌ای، حسن روحانی در ۹ مهر ۱۳۸۲، در نشست مقامات عالی‌رتبه نظام، به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول مذاکرات هسته‌ای، انتخاب شد. روحانی، دو هفته پیش از پایان مهلت شورای حکام، در مورد مذاکره در رابطه با امضای پروتکل الحاقی از وزرای خارجه سه کشور اروپایی برای سفر به تهران دعوت کرد. حاصل این مذاکرات، بیانیه

است، باید فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور را با وزارت خارجه هماهنگ کند، اما تداخل وظایف مانع ایجاد می‌کند. ضمن اینکه دفتر تبلیغات اسلامی در این زمینه با این سازمان همکاری می‌کند.

رایزن‌های نظامی را سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش و به‌خصوص ستاد کل نیروهای مسلح تعیین می‌کنند. در دولت یازدهم معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه برای پیگیری منافع کشور به ساختار این وزارتخانه اضافه شد، اما متأسفانه مقوله اصلی اقتصاد و تجارت خارجی نیز نامشخص است و در این مورد سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی فعال هستند. عدم هماهنگی سازمان‌های فرهنگی، تجاری، نظامی و امنیتی با دستگاه وزارت امور خارجه، ناهماهنگی و دخالت در امور سیاست خارجی و اقدامات موازی نه تنها تهدیدکننده امنیت کشور تلقی می‌شود، بلکه هزینه‌های وزارتخانه را در بخش روابط خارجی به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش داده است.

۲-۱-۳. مردم‌سالاری

لایه مردم‌سالاری در ایران با دو مکانیسم مجلس شورای اسلامی و ریاست‌جمهوری عمل می‌کند. مجلس با توجه به ضعف نخبگان سیاسی که اغلب محلی فکر می‌کنند، نقش اندکی در جهت‌دهی و کنترل و نظارت در موضوعات تخصصی سیاست خارجی داشته است. از سوی دیگر در انتخاب نمایندگان مجلس و همچنین تصویب نهایی قوانین ساختار مذهب‌گرایان شورای نگهبان دست بالا را دارد؛ بنابراین مجلس توان و تخصص و امکانات لازم تأثیر بر سیاست خارجی را نداشته است.

اما ریاست‌جمهوری آن‌قدر در سیاست خارجی موفق بوده است که با روی کار آمدن هر رئیس‌جمهور گفتمان سیاست خارجی تغییر یافته است. قدرت

نهایتاً مقرر شد اعتبار توافق ژنو به مدت ۷ ماه دیگر تمدید شود. مذاکرات هسته‌ای بعدی در فروردین ۱۳۹۴ بین نمایندگان ایران و گروه ۵+۱ آغاز شد. این مذاکرات منجر به صدور بیانیه تفاهم هسته‌ای لوزان شد (Bowen & Moran, 2015). بعد از توافق لوزان، مذاکرات گسترده‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ شکل گرفت که در نهایت منجر به توافق جامع هسته‌ای شد (Heinonen, 2014).

با توجه به اقدامات نهادهای دیوان‌سالار، بسیاری می‌پندارند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری سیاست خارجی تنها در وزارت امور خارجه صورت می‌پذیرد و توسط آن نیز اجرا می‌شود. در حالی که وزارت امور خارجه فقط یکی از نهادهای ذی‌ربط و نقش‌آفرین در فرایند و ساختار تصمیم‌گیری به شمار می‌رود و در عمل تعدد مراکز و سازمان‌های تصمیم‌گیر و سیاست‌های متفاوت و متناقض توسط ارگان‌های مختلف در رابطه با سیاست خارجی و همچنین اقدام مستقیم نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی به مذاکره با شخصیت‌ها و مراکز سیاسی کشورهای خارجی در زمره عواملی هستند که کارکرد عقلایی وزارت امور خارجه در روابط خارجی را مورد تردید قرار می‌دهند و طبیعتاً ادامه آن نه تنها باعث کندی اجرای سیاست‌های اتخاذشده خواهد بود، بلکه می‌تواند در خنثی کردن تلاش‌های وزارت امور خارجه نقش بازی کند.

این موازی‌کاری گاهی در طراحی و گاهی در اجرا روی می‌دهد که حتی از توان هماهنگ‌سازی اجرایی شورای عالی امنیت ملی نیز خارج است. علاوه بر این، تقسیم سیاست‌های فرهنگی، نظامی و تجاری خارج از کشور، تنها در قلمرو حوزه مسئولیت وزارت امور خارجه است. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، که قانوناً به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وابسته

مانور و تخصص نیروهای ریاست‌جمهوری بر خلاف سیاست داخلی در بُعد سیاست خارجی رقیب کمتری داشته است. رئیس‌جمهور پس از تغییر قانون اساسی نقش عمده و اثرگذاری داشته است.

در رابطه با اهداف نهادهای مردم‌سالار می‌توان گفت، مجلس شورای اسلامی دو وظیفه و کارکرد محوری قانون‌گذاری و نظارت بر عملکرد قوای دیگر را برعهده دارد. مجلس در حوزه سیاست خارجی نیز بر مبنای این دو وظیفه به ایفای نقش می‌پردازد؛ اما اهداف مشخصی که در هر دوره دنبال می‌کند به نتیجه مشخص نمی‌رسد. برخلاف مجلس، نهاد ریاست‌جمهوری اهداف مشخصی را دنبال می‌کند. در دوره ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی مفاهیم جدید و کلان سیاست خارجی معمولاً ذیل دو هدف تشریح می‌شد: نخست هم‌گرایی و ادغام در نظام بین‌المللی و دوم تفسیر جدید از صدور انقلاب (ازغندی، ۱۳۹۴: ۹۴).

درواقع مجریان سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سال‌های ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی با توجه به ضروریاتی که کشور از لحاظ اقتصادی و سیاسی به آن‌ها محتاج بود، برای دستیابی به اهداف موردنظر در پی آن بودند که سیاست آرمان‌گرایانه را با سیاست کارآمدتری جایگزین کنند (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۷). در دوران محمد خاتمی، صلح‌گرایی، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، گفت‌وگو و چندجانبه‌گرایی به عنوان اهداف سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفت (اسدی، ۱۳۸۷: ۶۸).

در دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، مسئولان دولتی ساختار نظام بین‌الملل را ناعادلانه دانستند و خواستار تغییر بنیادین در آن بودند. در چارچوب عدالت‌گرایی، رویکردی که برگزیده شد برخلاف دولت خاتمی که بر تنش‌زدایی و گفت‌وگوی

تمدن‌ها تأکید داشت، نوعی روبا رویی و صف‌آرایی معرفتی و هویتی میان دو اردوگاه تمدن غرب و تمدن ایرانی-اسلامی بود (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۲۴)، اما در دوره حسن روحانی، وی هدف سیاست خارجی خود را بر مبنای اعتدال‌گرایی قرار داد. یکی از عناصر اصلی اعتدال‌گرایی، تعامل سازنده است. تعامل سازنده و مؤثر بر اساس گفت‌وگو از جایگاه برابر، احترام و منافع متقابل، کاستن از خصومت‌ها و تنش‌زدایی و اعتمادسازی متقابل در صدر اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲۱).

اقدامات و دستاوردهای نهاد ریاست‌جمهوری دربرگیرنده گفتمان‌هایی است که برگرفته از اهداف سیاست خارجی رؤسای جمهور است. در ابتدای دوره ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، خرابی‌های ناشی از جنگ ایران با عراق و مشکلات مالی ناشی از آن موجودیت جمهوری اسلامی را شدیداً تهدید می‌کرد. تحت تأثیر این عوامل دولت هاشمی رفسنجانی برای سامان دادن به اوضاع داخلی و بازسازی کشور، اصلاح‌طلبی اقتصادی را سرلوحه کار خویش قرار داد (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۵).

با روی کار آمدن سید محمد خاتمی، گسترش روابط خارجی و رسیدگی به مسائل و امور خارجی در چارچوب رهیافت واقع‌گرایی ادامه یافت با این تفاوت که نحوه بیان و شیوه رفتار و برخورد با دیگران تغییر یافت و سیاست تعدیل اقتصادی جای خود را به توسعه سیاسی داد و در روابط خارجی، پذیرش پلورالیسم جهانی به معنی نفی نظام تک‌قطبی و پذیرش تساوی فرهنگ به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۰۴۳، ۱۰۴۴).

پس از آغاز کار دولت نهم، گفتمان حاکم بر

علاوه بر این، با ظهور گفتمان‌های مختلف در نهاد ریاست جمهوری مفاهیمی چون منافع، قدرت، امنیت و هویت ملی، انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل و غیره در بستر و چارچوب هریک از این گفتمان‌ها، معانی متفاوتی یافتند. این تغییر و تحولات گفتمانی تنها در محدوده و حوزه گفتمانی باقی نماند، بلکه در عرصه اجرا و اعمال سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز نمود پیدا کرد. تحول در حوزه گفتمان سیاست خارجی، موجب تغییر و تحول در رفتار جمهوری اسلامی نیز شد. این تغییر مداوم گفتمان‌ها مانع از دستیابی به یک سیاست خارجی باثبات شده است.

۲-۱-۴. نظامی‌گرایان

با روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران نیروهای مسلح به سه نهاد جداگانه یعنی ارتش، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و وزارت دفاع تقسیم شدند. همه این نیروها زیر نظر ستاد کل نیروهای مسلح قرار گرفته و رؤسای آن‌ها توسط مقام رهبری انتخاب می‌شود. ارتش جمهوری اسلامی ایران در فرستادن وابستگان نظامی به سایر کشورها و کارشناسان ارسالی به مذاکرات و تصمیم‌گیری‌های مربوط به دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس و نیروی انتظامی نیز به واسطه بخش پلیس بین‌الملل نقش فعال و اثرگذاری داشته است. اما در بین نهادهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، تنها سپاه پاسداران و زیرشاخه آن سپاه قدس است که به طور مستقیم بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سازمانی نظامی است که در نخستین روزهای پس از انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی تشکیل شد.

سپاه پاسداران شامل پنج نیرو با مأموریت‌های متفاوت است: نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز دستخوش تغییر و تحول درونی شد؛ به گونه‌ای که گفتمان فرهنگ‌گرای سیاست‌محور جای خود را به اصول‌گرایی عدالت‌محور داد. نقطه کانونی این گفتمان، عدالت است؛ به گونه‌ای که اصول گفتمان اصول‌گرایی حول محور این مفهوم، شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۹۳).

در انتخابات سال ۱۳۹۲، حسن روحانی به عنوان یازدهمین رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد. روحانی گفتمان اعتدال‌گرایی را در دستور کار خود قرار داد. مهم‌ترین ویژگی این گفتمان تعامل مؤثر و سازنده است. از این رو سیاست خارجی ایران در دولت یازدهم بر اساس گفتمان اعتدال‌گرایی، در جهت تعامل فعال و توسعه و بازسازی روابط نیز برپایه همزیستی مسالمت‌آمیز استوار شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۶).

پس از بازنگری قانون اساسی و حذف پست نخست‌وزیری، قدرت و اختیارات رئیس‌جمهور نسبت به قبل افزایش یافت؛ به گونه‌ای که نیمه ریاستی نظام جمهوری اسلامی در مقایسه با نیمه پارلمانی آن تقویت شد، اما طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود برعهده دارد. رؤسای جمهور به دلیل جهت‌دهی‌ای که از جانب نهادهای مذهبی صورت می‌گیرد و همچنین به دلیل سلطه سنگین ایدئولوژی در تمامی سال‌های حکومت جمهوری اسلامی، بدون در نظر گرفتن اینکه چه شخصیت‌هایی مسئولیت اداره امور سیاسی و اقتصادی کشور را به عهده داشته‌اند، از دستیابی به اهدافشان بازمانده‌اند.

جدول ۱. سیاست خارجی ایران از منظر نهادگرایی

نهادهای تصمیم‌گیرنده	نهادهای	اهداف	اقدامات و دستاوردها	آسیب‌شناسی
مذهب‌گرایان	ولایت فقیه: مجمع تشخیص مصلحت، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، قوه قضائیه، صدا و سیما، ائمه جمعه	ام‌القرای جهان اسلام، مبارزه با ظلم و استکبار و دفاع از حقوق مسلمین، وحدت جهان اسلام، نه شرقی نه غربی	قدرت نرم، نفوذ شیعی، نفوذ ایدئولوژی اسلام ایرانی	قرائت‌های مختلف دینی، شیعه‌محور شدن و واکنش کشورهای اسلامی، به حاشیه رفتن هویت ملی به دلیل تأکید بر اسلام شیعی، بی‌برنامگی
دیوان‌سالاری	شورای عالی امنیت ملی، وزارت امور خارجه	پیگیری منافع ملی، تعامل سازنده با جهان، مذاکره	انجام مذاکرات، انعقاد قرارداد، تخصیصی بودن، اولویت منافع ملی، تداومی بودن، تجربه انباشته	نداشتن استقلال، بودجه و نیروی کم، برکناری وزیر امور خارجه و تیم همراهش با تغییر رؤسای قوه مجریه
مردم‌سالاری	مجلس شورای اسلامی، نهاد ریاست‌جمهوری	در دوره‌های مختلف ریاست‌جمهوری متفاوت است. رفنسبانی: هم‌گرایی و ادغام در نظام بین‌المللی، تفسیر جدید از صدور انقلاب خاتمی: تنش‌زدایی، اعتمادسازی و گفت‌وگو، چندجانبه‌گرایی احمدی‌نژاد: بازگشت به اصول انقلابی، مبارزه با استکبار جهانی روحانی: اعتدال‌گرایی، تعامل سازنده، تنش‌زدایی متقابل	مشارکت مردم، اهمیت سیاست خارجی، چرخش نخبگان، دکترین‌های متفاوت سیاست خارجی	تغییر مداوم گفتمان‌ها، تداوم نداشتن، پوپولیستی، دخالت در امور تخصصی، بی‌تجربگی، دخالت در کار وزارت امور خارجه
نظامی‌گرایان	سپاه سپاه قدس	تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، خودکفایی تجهیزات نظامی، حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب	قدرت نظامی، خودکفایی نظامی، نفوذ در افغانستان، عراق، سوریه و یمن، توانایی موشکی سپاه قدس	اقدام مستقل، رسانه و نفوذ سیاسی، تبدیل شدن از حالت اجرائی به سیاسی

شمار می‌آید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۹۱).

سپاه پاسداران توانست نقش مؤثری همدوش ارتش در مقاومت مقابل نیروهای عراقی داشته باشد و عملیات خود را تا عمق خاک عراق نیز پیش ببرد. سپاه پاسداران حتی در اوج موقعیت دفاعی خود در جنگ با عراق و زمانی که نیروهای اسرائیل به لشکرکشی به جنوب لبنان دست زده بودند، نزدیک به هزار نیروی کارآموده خود را برای دفاع از لبنان به این کشور اعزام کرد و به آموزش شیعیان لبنان برای مقاومت در برابر ارتش اسرائیل پرداخت (نوازی، ۱۳۸۸: ۲۷۰).

سپاه پس از پایان جنگ ایران و عراق و با آغاز بازسازی نظامی در سال ۱۳۶۹ تجدید سازمان یافت. نیروی قدس سپاه پاسداران مسئولیت مستقیم عملیات نظامی برون مرزی و به عبارتی خط مقدم ایذایی جبهه نظامی راهبرد صدور انقلاب اسلامی را بر عهده دارد. تقریباً تمامی فعالیت‌های برون مرزی ایران در دهه گذشته به نیروی قدس مربوط می‌شود که از طریق ایجاد رابطه با مبارزان اسلامی و گروه‌های رادیکال و حمایت مالی از این گروه‌ها یا شخصیت‌های اسلامی انجام می‌شود که در راستای اصول و اهداف سیاست خارجی دولت ایران است (نوازی، ۱۳۸۸: ۲۷۱-۲۷۳).

با شروع بحران سوریه و نقش‌آفرینی کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، ایران نیز با تمایل سوریه و برای حل بحران اعلام آمادگی کرد. با حضور سپاه در این منطقه و بهره‌گیری از مشاوره‌های نظامی نیروهای ایرانی، ارتش سوریه دست به بازیابی دفاعی زد و عملاً با عوض شدن قاعده بازی، حملات برق‌آسای تروریست‌ها در بسیاری از مناطق متوقف شد. ارتش کلاسیک سوریه از این پس بود که توان دفاعی خود را در برخورد با تروریسم بالا برد و توانست با کمک

اسلامی، نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی مقاومت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی قدس. سپاه قدس نیروی ویژه و زیرشاخه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایران است که مسئولیت فعالیت‌های نظامی برون مرزی را دارد. این نیرو در جریان جنگ ایران و عراق تأسیس شد و هدفش انجام عملیات در خاک عراق بود (نظرپور، ۱۳۸۷: ۴۷).

سپاه پاسداران از همان ابتدای انقلاب مهم‌ترین هدف خود را پاسداری از انقلاب اسلامی در ایران اعلام کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران از نظر نظامی، انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی دچار مشکل اساسی شد؛ چراکه نهادهای نظامی و امنیتی باقی‌مانده از رژیم پیشین توان گذشته را نداشتند. این مسئله باعث شد که امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران برای سپاه پاسداران در اولویت قرار بگیرد (نظرپور، ۱۳۸۷: ۴۹). دومین هدف سپاه خودکفایی تجهیزات نظامی و تقویت و گسترش نیروهای نظامی است. سپاه با توجه به نیازهای انقلاب در عرصه‌های علمی و دفاعی و ارتقای نظام در بازدارندگی دشمنان و حفظ استقلال کشور، در زمینه‌های مختلف از جمله ابداع و ساخت تسلیحات پیشرفته تا فناوری‌های نوین علمی پیشرفت چشمگیری داشته است.

تقویت و گسترش نیروهای نظامی برای مقابله با تهدیدات امنیتی - نظامی است (شماعی، ۱۳۸۷: ۹۴). درنهایت آخرین هدف سپاه پاسداران حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی است. اهداف نیروهای مسلح تنها به تأمین اهداف و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محدود نمی‌شود. علاوه بر این، تلاش برای تحقق اهداف فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز از جمله وظایف دیگر آن به

معرفت‌شناسی نظامی را شکل داده است؛ به نحوی که نظامی‌گرایان از حیطه اجرائیات به حیطه طراحی و حتی ارزیابی سیاسی قدم نهاده‌اند.

به عبارت دیگر، نظامیان که می‌بایست در ساختار تبعی دنباله‌رو سیاست‌گذاری‌های کشور باشند، خود در جهت‌دهی به سیاست‌ها نقش فعالی ایفا می‌کنند. نظامیان به تدریج سازوبرگ ایدئولوژیک دانشگاه، رسانه، مطبوعات، شبکه تلویزیونی و منابع اقتصادی را شکل داده‌اند و به گونه‌ای در کنار دیگر نهادها به فعالیتی فراتر از حوزه عمل خویش مشغول هستند. با توجه به این وضعیت گاهی شاهد ناهماهنگی و اقدامات موازی‌کارانه در سیاست خارجی هستیم. این اقدامات در برخی مواقع منافع ملی را از لحاظ تعریف دچار ابهام می‌کند (جدول شماره ۱).

۳. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش نگارندگان به بررسی آسیب‌شناسی نهادهای تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مذهب‌گرایان، دیوان‌سالاری، مردم‌سالاری و نظامی‌گرایان) پرداختند. نهادهای مذهبی از ماهیت فراملی انقلاب اسلامی و همچنین هویت اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران نشئت می‌گیرند. این نهادها بدون توجه به نظام حاکم در عرصه روابط بین‌الملل، ضابطه‌ها و هنجارهای موجود در سیاست خارجی را بر هم زده و می‌خواهند نظم موردنظر خود را جایگزین آن‌ها کنند. نهادهای دیوان‌سالار از جمله وزارت امور خارجه فقط یکی از نهادهای ذی‌ربط و نقش‌آفرین در فرایند و ساختار تصمیم‌گیری به شمار می‌روند.

در عمل تعدد مراکز و سازمان‌های تصمیم‌گیر و سیاست‌های متفاوت و متناقض توسط ارگان‌های مختلف در رابطه با سیاست خارجی و همچنین اقدام

آموزش‌های سپاه شیوه‌های جنگ شهری را فرا بگیرد و امکان دفاع را با کم‌ترین تلفات ممکن پیدا کند.

ایجاد حشدالشعبی در عراق نیز گام بلندی بود که سپاه قدس برای بالا بردن توان نظامی مردم و ارتش در برابر داعش برداشت (عابدی، ۱۳۹۶). علاوه بر این، فرمانده کل سپاه، سردار جعفری در رابطه با کمک ایران به یمن گفت: «کمک‌های ما به جبهه مقاومت بنا به درخواست مردم و دولت‌های آنان صورت گرفته و یمن هم یک نمونه از آن است؛ امروز در یمن حاکمیت به دست انصارالله است و کمک‌های ایران در حد مستشاری و معنوی است که یمن بیشتر به آن‌ها نیاز دارد و جمهوری اسلامی هم از این کمک‌ها دریغ نمی‌کند و این راه ادامه دارد.» (جعفری، ۱۳۹۶).

گفته می‌شود که گروه‌های نظامی نباید در امر سیاست‌گذاری خارجی دخالت داشته باشند، بلکه باید تصمیمات اتخاذشده توسط سیاست‌مداران را به اجرا درآورند. در جمهوری اسلامی ایران نیز بیانیه‌ها و اظهار نظرهای شخصی نظامیان، در روند سیاست‌گذاری خارجی تأثیر می‌گذارند که در اغلب مواقع با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح است. بر همین اساس بسیاری معتقدند وظیفه اصلی رهبران سیاسی، حفظ منافع ملی یک دولت و ملت است؛ از این رو رهبران نظامی نیز باید در خدمت اهداف سیاسی باشند. حتی در زمان جنگ نیز نظامیان باید بر اساس برنامه‌های طرح‌ریزی‌شده تئورسین‌های سیاسی و بر مبنای منافع ملی حرکت کنند.

اگرچه قدرت نظامی ایران در منطقه بعد از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران افزایش پیدا کرد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شاخه برون‌مرزی آن یعنی سپاه قدس توانست در افغانستان، عراق، سوریه و یمن نفوذ پیدا کند، اما این وضعیت نمونه‌ای از

موفقیت و مطلوبیت کامل عمل نکند. به عبارت دیگر، این آسیب‌ها نه تنها خود معضلاتی را ایجاد می‌کنند، بلکه سبب مشکلات دیگری می‌شوند که در مجموع سیاست خارجی را از وضعیت مطلوب دور می‌کند و موجب شکست و ناکامی می‌شود.

برخی از راهکارهای این پژوهش بدین قرارند:

- شکل‌گیری گفتمان واحد در سیاست خارجی کشور از سوی رهبری؛

- تلاش برای اجماع نظر در نخبگان حاکم در زمینه منافع ملی و مسائل و مشکلات کشور به وسیله تفکیک و تقسیم نقش طراحی و اجرا و ارزیابی؛

- تنظیم روابط خارجی در چارچوب حفظ منافع کشور؛

- تأمین منافع ملی و نه لزوماً دوستی یا دشمنی در برنامه‌ریزی سیاست خارجی؛

- تأکید بر منافع ملی در مقابل گرایش‌های آرمان‌گرایانه؛

- تعریف شفاف از منافع و اهداف ملی؛

- اتخاذ استراتژی‌های متناسب با وضعیت کشور؛

- لزوم وحدت ساختاری و عدم موازی‌کاری در سیاست خارجی؛

- کاهش تعدد نهادها و تشکیلات تأثیرگذار در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی؛

- کمرنگ شدن عدم هماهنگی نهادهای تأثیرگذار در سیاست خارجی؛

- رفع سوء تفاهات بروز کرده در رابطه با کشورهای همسایه و جهان و همچنین کاهش

مستقیم نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی به مذاکره با شخصیت‌ها و مراکز سیاسی کشورهای خارجی در زمره عواملی هستند که کارکرد عقلایی وزارت امور خارجه در روابط خارجی را مورد تردید قرار می‌دهند.

مجلس به عنوان نهاد مردم‌سالار با توجه به ضعف نخبگان سیاسی که اغلب محلی فکر می‌کنند توان ملی‌اندیشی در بُعد سیاست خارجی را ندارد. ریاست‌جمهوری هم با اینکه پس از بازنگری قانون اساسی و حذف پست نخست‌وزیری، قدرت و اختیارات بیشتری یافته، اما طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود برعهده دارد.

نهاد نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شاخه برون‌مرزی آن یعنی سپاه قدس با اینکه توانستند در افغانستان، عراق، سوریه و یمن نفوذ پیدا کنند اما این وضعیت نمونه‌ای از معرفت‌شناسی نظامی را شکل داده است؛ به نحوی که آن‌ها از حیطه اجرائیات به حیطه طراحی و حتی ارزیابی سیاسی قدم نهاده‌اند. به عبارت دیگر، نظامیان که می‌بایست در ساختار تبعی دنباله‌رو سیاست‌گذاری‌های کشور باشند؛ خود در جهت‌دهی به سیاست‌ها نقش فعالی ایفا می‌کنند. به طور کلی می‌توان گفت، در عرصه سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران از یکسو شاهد ائتلاف نهادهای دیوان‌سالار و مردم‌سالار و از سوی دیگر شاهد ائتلاف دو نهاد مذهب‌گرایان و نظامی‌گرایان است که منجر به پیچیدگی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی شده است.

وجود نهادهای متعدد تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی ایران باعث شده است سیاست خارجی ایران در پیگیری و تأمین اهداف خود در برخی مواقع با

اختلافات به حداقل ممکن؛

- تعادل بین تنش‌زدایی و آمادگی قدرتمندانه در مقابل دشمن؛

- کاهش رفتار ایدئولوژیک در سیاست خارجی؛

- پیگیری سیاست واقع‌گرایی و تعقیب تماس با دولت‌ها؛

- منطبق کردن تصمیمات سیاست خارجی با شرایط در حال تغییر نظام بین‌الملل؛

- ارزیابی علمی از توانمندی‌های کشور.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمام اصول اخلاقی در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت‌نویسندگان

تمامی نویسندگان در نگارش این مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع فارسی

- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (۱۳۸۶). گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد. دانش سیاسی، ۳(۱)، ۶۷-۹۸.
- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (۱۳۹۳). گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. سیاست خارجی، ۲۸(۱)، ۱-۳۹.
- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (۱۳۹۴). اصول و مبانی روابط بین‌الملل. جلد ۱. تهران: سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، س. ج. (۱۳۸۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: روندها و بازتاب‌ها. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۹(۳)، ۱-۴۰.
- رضائی، ع. ر. و، ترابی، ق. (۱۳۹۲). سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۵(۱)، ۱۳۱-۱۶۱.
- رضائی، ر. (۱۳۸۰). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران [ع. ر. طیب، ترجمه فارسی]. تهران: نشر نی.
- رضائی، ر. (۱۳۸۸). درک سیاست خارجی ایران. روابط خارجی، ۱۱(۱)، ۱۱-۲۰.
- رینولدز، ف. آ. (۱۳۸۰). شناخت اصول روابط بین‌الملل [ج. زنگنه، ترجمه فارسی]. تهران: وزارت امور خارجه.
- ستوده، م. (۱۳۸۵). تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه
- سریخ‌القلم، م. (۱۳۹۰). مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران. روابط خارجی، ۳(۹)، ۴۹-۷۴.
- شماعی، م. (۱۳۸۷). نگاهی به سه دهه خدمت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. حصون، ۱۷(۱)، ۶۸-۹۹.
- صحرائی، ع. ر. (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۵ (با تأکید بر ایدئولوژی سیاسی). مشهد: سخن‌گستر.
- صدقی، ا. (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
- ازغندی، س. ع. ر. (۱۳۷۸). تنش‌زدایی در سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷-۷۸). سیاست خارجی، ۱۳(۴)، ۱۰۳۵-۱۰۴۷.
- ازغندی، س. ع. ر. (۱۳۸۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: قومس.
- ازغندی، س. ع. ر. (۱۳۹۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها. تهران: قومس.
- اسدی، ب. (۱۳۸۷). سیاست خارجی دولتی اصلاحات؛ موفقیت‌ها و شکست‌ها. تهران: باز.
- امیری، ع. (۱۳۸۵). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: علوم نوین.
- ایزدی، ب. (۱۳۷۷). درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- آبراهامیان، ا. و صادقی، ا. (۱۳۸۴). محور اهریمنی: نمودی از کشاکش بین ایران و ایالات متحده. سیاست خارجی، ۱۹(۲)، ۴۲۷-۴۵۰.
- باقری دولت‌آبادی، ع. و شفیع، م. (۱۳۹۳). از هاشمی تا روحانی: بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازمان‌نگاری. تهران: تپس.
- براون، ک. و آینلی، ک. (۱۳۹۱). فهم روابط بین‌الملل [م. ج. رنجکش، ف. صلواتی‌طرقی، ترجمه فارسی]. مشهد: انتشارات مرندید.
- جعفری، م. ع. (۱۳۹۶). فرمانده سپاه: ایران به یمن کمک مستشاری می‌کند. قابل دسترس در: <https://www.tasnim-news.com/fa/news/1396/09/02/1581804>
- جکسون، ر. و سورنسن، گ. (۱۳۹۴). درآمدی بر روابط بین‌الملل (نظریه‌ها و رهیافت‌ها) [م. ذاکریان، ا. تقی‌زاده، ح. سعیدکلاهی، ترجمه فارسی]. تهران: میزان.
- حقیقت، س. ص. (۱۳۷۶). مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- خوشوقت، م. ح. (۱۳۷۵). تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی. تهران: وزارت امور خارجه.

- از آغاز تا سال ۱۳۶۸. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عابدی، س. (۱۳۹۶). سپاه و امنیت منطقه ای در غرب آسیا. <https://farsi.iranpress.com/iran-i101247> قابل دسترس در:
- عباسی، م. (۱۳۹۱). چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در دوره پس از ۱۱ سپتامبر. چاپ ۱. تهران: دانشگاه امام صادق.
- عمید زنجانی، ع. ع. (۱۳۶۸). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن. تهران: نشر کتاب سیاسی.
- فیرحی، د. (۱۳۸۲). نظام سیاسی و دولت در اسلام. قم: مؤسسه آموزشی عالی باقرالعلوم.
- کاظمی، ح. (۱۳۹۲). نهادگرایی به عنوان الگویی برای تحلیل سیاسی، پژوهش سیاست نظری، (۱۳)، ۲۷-۱.
- کیسینجر، ه. (۱۳۹۶). نظم جهانی: تأملی در ویژگی ملت‌ها و جریان تاریخ [م. ت. حسینی، ترجمه فارسی]. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدی، ح. ر. (۱۳۹۳). تبیین نشانگان قدرت و تأثیر آن بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۰ (۳۵)، ۱۲۲-۱۴۸.
- محمدی، م. (۱۳۷۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل. چاپ ۱. تهران: نشر دادگستر.
- مولانا، ح. و محمدی، م. (۱۳۸۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد. تهران: نشر دادگستر.
- نخعی، ه. (۱۳۷۶). توافق و تزامم منافع ملی و مصالح اسلامی: بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های ملی و اسلامی. تهران: وزارت امور خارجه.
- نظریور، م. (۱۳۸۷). نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تداوم انقلاب اسلامی. حصون، (۱۷)، ۴۵-۶۷.
- نوازنی، ب. (۱۳۸۸). صدور انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

References

- Abbasi, M. (2012). [Foreign policy challenges of the Islamic Republic of Iran and the European Union in the Post-9/11 Period (Persian)]. 1st Ed. Tehran: Imam Sadegh University. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2995519>
- Abedi, S. (2017). [IRGC and regional security in West Asia (Persian)]. Retrieved from <https://farsi.iranpress.com/iran-i101247>
- Abrahamian, A., & Sadeghi, A. (2005). [Demonic axis: A manifestation of the conflict between Iran and the United States (Persian)]. *Journal of Foreign Policy*, 19(2), 427-50. <http://ensani.ir/fa/article/99044>
- Amenta, E., & Ramsey, K. M. (2017). Institutional theory. In J. Heskett, C. Dilnot, & S. Boztepe. *Design and the creation of value* (pp. 88-103). London: Bloomsbury Academic. [DOI:10.5040/9781474274289.0014]
- Amid Zanjani, A. A. (1989). [The Islamic Revolution and its roots (Persian)]. Tehran: Ketab Siyasi. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/707295>
- Amiri, A. (2006). [The foreign policy of Islamic Republic of Iran (Persian)]. Tehran: Olume Novin. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/796249>
- Asadi, B. (2008). [Reform government foreign policy: successes and failures (Persian)]. Tehran: Baz. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1306332>
- Azghandi, S. A. R. (1999). [De-escalation of tension in foreign policy: The case of the Islamic Republic of Iran (1988 - 1999) (Persian)]. *Journal of Foreign Policy*, 13(4), 1035-47. <http://ensani.ir/fa/article/97959>
- Azghandi, S. A. R. (2002). [The foreign policy of Islamic Republic of Iran (Persian)]. Tehran: Ghoomes. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/644174>
- Azghandi, S. A. R. (2015). [The foreign policy of Islamic Republic of Iran: Frameworks and orientations (Persian)]. Tehran: Ghoomes. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3796391>
- Bagheri Dolatabadi, A., & Shafiee, M. (2014). [From Hashemi to Rouhani, a study of Iran's foreign policy in the light of constructivist theory (Persian)]. Tehran: Tisa. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3439666>
- Bowen, W., & Moran, M. (2015). Living with nuclear hedging: the implications of Iran's nuclear strategy. *International Affairs*, 91(4), 687-707. [DOI:10.1111/1468-2346.12337]
- Brown, C., & Ainley, K. (2012). *Understanding international relations* [M. J. Ranjesh, F. Salavati Toroghi, Persian Trans]. Mashhad: Marandiz. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3004069>
- Dehghni Firouzabadi, S. J. (2007). [Justice oriented fundamentalist discourse in Ahmadinejad foreign policy (Persian)]. *Political Knowledge*, 3(1), 67-98. http://pkn.journals.isu.ac.ir/article_52.html
- Dehghni Firouzabadi, S. J. (2014). [Moderation discourse in foreign policy of Islamic Republic of Iran (Persian)]. *Journal of Foreign Policy*, 28(1), 1-39. http://fp.ipisjournals.ir/article_13618.html
- Dehghni Firouzabadi, S. J. (2009). [Foreign policy of the Islamic Republic of Iran (Persian)]. Tehran: Samt. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1622300>
- Dehghni Firouzabadi, S. J. (2015). [Principles and fundamentals of international relations (Persian)]. Vol. 1. Tehran: Samt. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4175946>
- Dehghni Firouzabadi, S. J. (2002). [Foreign policy of the Islamic Republic of Iran: Trends and outcomes (Persian)]. *Middle East Studies Quarterly*, 9(3), 1-40. <http://ensani.ir/fa/article/121463/>
- Feirahi, D. (2003). [Political system and state in Islam (Persian)]. Qom: Baqir al-Olum University. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/678271>
- Guy Peters, B. (2000). Institutional theory: Problems and prospects. Retrieved from https://www.ihs.ac.at/publications/pol/pw_69.pdf
- Haghighat, S. S. (1997). [Transnational responsibilities in the foreign policy of the Islamic state (Persian)]. Tehran: Center for Strategic Studies. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1735397>
- Haji-Yousefi, A. M. (2010). Iran's foreign policy during Ahmadinejad: From confrontation to accommodation. *Alternatives: Turkish Journal of International Relations*, 9(2), 1-23. <https://dergipark.org.tr/en/pub/alternatives/issue/1697/21113>

- Hall, P. A., & Taylor, R. C. R. (1996). Political science and the three new institutionalisms. *Political Studies*, 44(5), 936-57. [DOI:10.1111/j.1467-9248.1996.tb00343.x]
- Heinonen, O. (2014). The Iranian nuclear programme: Practical parameters for a credible long-term agreement. Retrieved from <https://www.belfercenter.org/publication/iranian-nuclear-programme-practical-parameters-credible-long-term-agreement>
- Immergut, E. M. (2011). Institutions and institutionalism. (2010). In B. Badie, D. Berg-Schlosser & L. Morlino (Eds.), *International encyclopedia of political science* (pp. 1203-1207). Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc. [DOI:10.4135/9781412959636.n277]
- Izadi, B. (1998). [Introduction to the foreign policy of the Islamic Republic of Iran (Persian)]. Qom: Islamic Propagation Center of Howzah. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/669110>
- Jackson, R. H., & Sorensen, G. (2015). *Introduction to international relations: Theories and approaches* [M. Zakerian, H. Saeed Kolahi, A. Taghizadeh, Persian Trans]. Tehran: Mizan. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/3968324>
- Jafari, M. A. (2017). [IRGC commander: Iran is "assisting" Yemen (Persian)]. Retrieved from <https://www.tasnim-news.com/fa/news/1396/09/02/1581804>
- Jenkins, P., & Dalton, R. (2014). Iran's nuclear future. Retrieved from https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/field/field_document/20140904IransNuclearFuture-JenkinsDalton.pdf
- Jones, S. (2009). The Islamic Republic of Iran: An introduction. Retrieved from <https://www.refworld.org/pdfid/4b-41bca92.pdf>
- Kazemi, H. (2014). [Institutionalism as a model for political analysis (Persian)]. *Research in Theoretical Politics*, (13), 1-27. <http://political.ihss.ac.ir/Article/139412091129511254>
- Khoshwaght, M. H. (1996). [Decision-making in foreign policy analyzes (Persian)]. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/490521>
- Kissinger, H. (2017). *World order: A reflection on the characteristics of nations and the course of history* [M. T. Hosseini, Persian Trans]. Tehran: Elmi Farhangi. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/4386508>
- Lounsbury, M. (2014). Institutionalism, old and new. Retrieved from <https://www.researchgate.net/publication/44077976>
- March, J. G., & Olsen, J. P. (2005). Elaborating the "new institutionalism". Retrieved from <https://www.researchgate.net/publication/5014560>
- Mohammadi, M. (1998). [Foreign policy of the Islamic Republic of Iran (principles and problems) (Persian)]. 1st Ed. Tehran: Dadgoštar. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/540776>
- Mohammadi, H. R. (2014). [Explanation of power indicators and its influence on foreign policies of USA against Iran (Persian)]. *International Quarterly of Geopolitics*, 10(35), 122-48. http://journal.iag.ir/article_55912.html
- Mowlana, H., & Mohammadi, M. (2008). [Foreign policy of the Islamic Republic of Iran in Ahmadinejad government (Persian)]. Tehran: Dadgoštar. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1320348>
- Nakhaie, H. (1997). [Consistency and confrontation of national interests and Islamic expedients: Comparative study of foreign policy of national and Islamic states (Persian)]. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/508251>
- Navazney, B. (2009). [Issuance of the Islamic Revolution: Its international contexts and consequences (Persian)]. Tehran: Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1841968>
- Nazarpour, M. (2008). [The role of the Islamic Revolutionary Guard Corps in the continuation of the Islamic Revolution (Persian)]. *Hosun*, (17), 45-67. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/930057>
- Ramezani, R. (2001). *An analytical framework for examining the foreign policy of the Islamic Republic of Iran* [A. R. Tayyeb, Persian Trans]. Tehran: Ney. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/622021>
- Ramezani, R. (2009). [Understanding Iran's foreign policy (Persian)]. *Foreign Relations*, 1(1), 11-20. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=113835>
- Reynolds, P. A. (2001). *An introduction to international relations* [J. Zanganeh, Persian Trans]. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/633124>

- Rezaei, A. R., & Torabi, Gh. (2013). [The foreign policy of Hassan Rouhani, constructive interaction within the framework of development oriented government (Persian)]. *Political and International Researches*, 5(15), 131-61. http://pir.iaush.ac.ir/article_552039.html
- Sahraie, A. R. (2011). [*Introduction to the foreign policy of the Islamic Republic of Iran from 1979 to 2005 (with emphasis on political ideology)* (Persian)]. Mashhad: Sokhangoštar. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/2382838>
- Sariolghalam, M. (2011). [Concept of power and foreign policy behavior: A comparative analysis of China and Iran (Persian)]. *Foreign Relations*, 3(9), 49-74. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=122538>
- Sedghi, A. (2007). [*Foreign policy of the Islamic Republic of Iran from the beginning to 1989* (Persian)]. Tehran: Islamic Revolution Document Center. <http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1059779>
- Shamaee, M. (2008). [A look at three decades of service of the Islamic Revolutionary Guard Corps (Persian)]. *Hosun*, (17), 68-99. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/930058>
- Sotudeh, M. (2006). [*Challenges in international order and the foreign policy of the Islamic Republic of Iran* (Persian)]. Qom: Islamic Propagation Center of Howzah.
- Thelen, K., & Steinmo, S. (1992). Historical institutionalism in comparative politics. In S. Steinmo, K. Thelen & F. Longstreth (Eds.), *Structuring politics: Historical institutionalism in comparative analysis* (pp. 1-32). Cambridge: Cambridge University Press. [DOI:10.1017/CBO9780511528125.002]